

# ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ

مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (ره)

## ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۲

سرشناسه	:	فقیه امامی، حسن، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	سازوکارهای موفقیت در تبلیغ/ سیدحسن فقیه امامی.
مشخصات نشر	:	قم: عطر عترت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۴۹ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۱۵۱-۶-۶: ریال ۱۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	فقیه امامی، سیدحسن، ۱۳۱۳ - ۱۳۸۹. -- وعظ
موضوع	:	مجلسی محمد باقر بن محمد تقی، ۱۰۲۷ - ۱۱۱۱ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	:	اسلام -- تبلیغات
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ ۲س۷ف/۶۲/BP۱۱
رده بندی دیویی	:	۰۴۵/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۹۲۵۰۳۹

## سازوکارهای موفقیت در تبلیغ /

مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی

انتشارات عطر عترت

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپخانه گلوردی

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۱۵۱-۶-۶

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

توزیع: ۰۹۱۳۵۶۹۲۴۳۰

فهرست

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

مطالبی که پیش رو دارید پیرامون دو سخنرانی از استاد بزرگوارم مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (ره) در زمینه تبلیغ به نامهای ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ و سرمشقهای زنده تبلیغات و همچنین یک سخنرانی در زمینه دفاع از علامه مجلسی (ره) به نام رسالت علامه مجلسی (ره) در سایه سار ثقلین می باشد که به مناسبت وفات علامه در ماه مبارک رمضان می باشد را آورده ایم. ان شاء الله توشه ای برای مبلغین بزرگوار در عرصه تبلیغ باشد.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۴

مهدی آقابابایی

## ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ<sup>۱</sup>

اهمیت تبلیغ

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا...»<sup>۲</sup> چه کسی از جهت گفتار بهتر است از کسی که به سوی خدا دعوت می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد...

رکن اساسی دین تبلیغ است و هدف از بعثت انبیای الهی نیز جز این نیست.

خداوند استعدادهای فراوانی به انسان‌ها داده است. بعضی از این استعدادها در موجودات دیگر نیز به صورت محدود وجود دارد؛ اما در انسان به صورت بی‌نهایت موجود است. زمینه‌ی رشد در انسان‌ها فراوان بوده و از راه شکوفایی استعدادها که خود مبتنی بر تعلیم و تربیت و محیط مساعد و تلاش و کوشش است، می‌توان به مراحل عالی رشد و کمال دست یافت.

خداوند متعال پیامبران خودش را یکی پس از دیگری برای همین هدف فرستاده است. حضرت امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> در خطبه‌ی اول نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيتَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُدَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ [خداوند متعال] پیامبرانش را پی در پی به سوی مردم می‌فرستاد تا عهد و پیمان خداوند را که جیبی آنان بود، بطلبند و به نعمت فراموش شده

---

۱ - این سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۹ در مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ حوزه‌ی علمیه اصفهان خطاب به روحانیون، طلاب و مبلغان ارجمند ایراد شده است. که با اندکی تلخیص و ویرایش محضر مبلغان گرامی تقدیم می‌گردد.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۶

(توحید فطری) یادآوریشان کند و از راه تبلیغ با ایشان گفت و گو نمایند و عقل‌های پنهان شده را بیرون آورده به کار اندازند.»

یکی از اهداف فرستادن پیامبران بر اساس این تعبیر حضرت علی<sup>7</sup>، این است که دفینه‌ها و ذخیره‌های مغزهای انسان‌ها را استخراج کنند و استعدادهایشان را شکوفا سازند؛ و پیامبران الهی چنین کردند.

پیامبر اسلام<sup>6</sup> در دوران جاهلیت اعراب به رسالت مبعوث شد. در دوران جاهلیت، مردم از نظر اعتقادی، اخلاقی و علمی بسیار عقب مانده بودند و به برکت وجود پیامبر اکرم<sup>6</sup> این مردم همه چیز پیدا کردند. هم از نظر فکری و هم در بعد تزکیه‌ی اخلاقی و نیز در بُعد اقتصادی تقویت شدند. آن‌ها مردمان منزوی بودند و به برکت پیامبر اکرم<sup>6</sup> کار به جایی رسید که تا قلب اروپا پیش رفتند و آن جا را فتح کردند.

وظیفه‌ی عالمان دین

وظیفه‌ی تبلیغ دین که بر دوش انبیای الهی نهاده شده بود، بعد از آن‌ها به علمای دینی واگذار شده است.

وظیفه‌ی پیامبران الهی انذار بود. خداوند متعال در اولین فرازهای وحی به پیامبرش خطاب کرده، می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۗ قُمْ فَأَنْذِرْ**»<sup>۱</sup>؛ ای جامه خواب به خود پیچیده! برخیز و انذار کن» و همین پُست را به ما داده است. آن جا که می‌فرماید:

«**فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ**

**لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ**»<sup>۲</sup>؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای

کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود،

آن‌ها را بیم دهند؟

---

۱ - مدثر/ ۱ و ۲.

۲ - توبه / ۱۱۲.

## ۷/ ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ

البته انذار متفرع بر تفقه است. انسان اول باید خودش را از نظر دانش دینی سرشار باشد تا بتواند دیگران را ارشاد و انذار کند.

شاعر چه زیبا سروده است:

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش.  
تا خود انسان درایت و فقاہت دینی نداشته باشد، نمی‌تواند دیگران را به دین هدایت کند. فقه در اینجا، فقه به معنای اعم است نه فقه به معنای علم به احکام. فقهی که صاحب معالم<sup>۱</sup> آن را به «الفقه هو العلم بالاحکام عن ادلتها التفصیلیه»<sup>۲</sup> تعریف می‌کرد، در این جا منظور نیست. فقه به معنای اعم عبارتست از: آگاهی نسبت به تمام معارف دینی، اخلاقی و فروع فقهی. انسان با تسلط کامل بر این‌ها می‌تواند مردم را از جهالت بیرون آورد.

### اسوه‌های تبلیغ

انبیای الهی که مأموریت تبلیغی داشته‌اند، برای ما الگو و اسوه هستند. باید دید آن‌ها در مسیر تبلیغ دین از چه سرمایه‌هایی استفاده کرده‌اند تا توانسته‌اند تحول به وجود آورند. با مطالعه‌ی قرآن کریم و شرح دعوت انبیای الهی می‌توان رموز موفقیت آن‌ها را کشف کرد.

### حضرت یوسف<sup>۷</sup> در مسیر تبلیغ

قرار بود که حضرت یوسف<sup>۷</sup> محیط مصر را عوض کرده و ریشه‌ی شرک را در این سرزمین از بن برکند. این تحول سیاسی در جامعه‌ی آن روز مصر کار ساده‌ای نبود ایجاد تحول بنیادین در آن جامعه نیاز به زیرکی، فطانت، حسن تدبیر و تلاش وافر داشت و حضرت یوسف<sup>۷</sup> با ویژگی‌های شخصیتی، حسن تدبیر، تلاش و فداکاری خویش توانست این جامعه‌ی شرک آلود را اصلاح کند.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۸

رمزهای پیروزی یوسف 7

با مطالعه‌ی آیات قرآن کریم می‌توان رمزهای موفقیت حضرت یوسف 7 را در مسیر تبلیغ دین کشف کرد. او چه کرد تا وقتی که به مردم مصر فرمود: بگویید «لا اله الا الله»، تمام مردم به او گرایش پیدا کردند و به توحید روی آوردند؟ اینک رمزهای موفقیت او را بررسی می‌کنیم. باشد که ما را در مسیر تبلیغ دین یاری رساند.

۱- تقوا زمینه ساز تبلیغ

حضرت یوسف 7 چهل سال تلاش کرد تا توانست مردم را هدایت کند. آنچه در این چهل سال سرمایه‌ی کار او بود در درجه‌ی اول تقوا بود آن هم درجه‌ی بسیار بالا.

این که زمینه برای انحراف به تمام معنا برای یک جوان در عنفوان جوانی پیدا شود و او بتواند با نفس خویش مبارزه کند، کار آسانی نیست. البته خدای متعال نیز او را یاری داد. حضرت یوسف 7 در آن شرایط حساس تنها بر خداوند متعال تکیه کرد و در آن لغزشگاه‌های خطرناک نیز خداوند به فریادش رسید.

قرآن کریم شرح یاری خداوند را چنین بیان می‌کند:

«وَلَقَدْ هَمَمْتُ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ؛ أَنْ زَنَ قَصْدَ او كَرْدَ؛

و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی‌دید - قصد وی می‌نمود.»

«وَالْأَلَّا تَصْرِفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ<sup>۲</sup>؛ و اگر

مکر و نیرنگ آن‌ها را از من بازنگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود.»

---

۱ - یوسف / ۲۴.

۲ - یوسف / ۳۳.



«وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ!» من هرگز خودم را تبرئه نمی‌کنم، که نفس، بسیار به بدی‌ها امر می‌کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند؛ پروردگارم آمرزنده و مهربان است.»

تا کسی دست به دامن خدا نشود، در این بحران‌ها و طوفان‌ها نمی‌تواند خودش را حفظ کند. حفظ تقوا در این موارد بسیار مشکل است و همین قداست و پاکی و عصمت بهترین زمینه‌سازی برای تبلیغ بود که حضرت یوسف 7 در این قسمت در حد اعلای موفقیت بود.

زلیخا او را متهم کرد ولی در دراز مدت با یاری خداوند اتهام برطرف شد و زلیخا اعتراف کرد که من مقصر بودم، و او پاک بود.<sup>۲</sup>

اگر ما در مسیر تبلیغ بهترین شیوه‌های تبلیغ را با بهترین بیان و سخنرانی داشته باشیم ولی تقوا نداشته باشیم، ذره‌ای نمی‌توانیم در شنونده اثر داشته باشیم.

امام صادق 7 می‌فرماید:

«إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا»<sup>۳</sup>

دانشمند وقتی به علم خویش عمل نکند موعظه‌ی او از دل‌ها همچون باران روی سنگ صاف می‌لغزد [و در قلب‌ها نفوذ نمی‌کند].

باران که از آسمان می‌آید، استعدادهای زمین را شکوفا و بارور کرده، آن را شاداب می‌کند، اما هرگاه روی سنگ خارا بریزد، آن را ظاهراً و برای مدت کوتاهی خیس می‌کند ولی در آن نفوذ نمی‌کند و هیچ اثری ندارد. اگر در باطن مبلغ تقوا نباشد، موعظه‌های او چون بارانی است که بر روی سنگ خارا می‌ریزد و تأثیری در دل مخاطبان او ایجاد نخواهد کرد.

۱ - یوسف/۵۳.

۲ - یوسف/۵۱.

۳ - الحیاه، ج ۱، ص ۱۱۳.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۱۰

ما افراد زیادی را دیده‌ایم که بیان آن چنانی نداشته‌اند ولی تقوایشان موجب شده است که آن‌ها کلمه‌ای بگویند و آن کلمه کار صد منبر را انجام دهد.

میرزا علی آقا شیرازی نمونه‌ی تقوا

مرحوم شهید مطهری 1 وقتی با آقای میرزا علی آقا شیرازی 1 برخورد می‌کند، تحول عجیبی در روح او به وجود می‌آید. باید دید این تحول عظیم از کدام ناحیه حاصل شده است. مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی 1 آدم نطّاق و سخنوری چون سید جمال الدین اسدآبادی 1 نبود ولی آن حقیقت و تقوا و واقعیت او بود که روی کلماتش اثر گذاشته و کلمات او در جان‌ها نفوذ می‌کرد.

۲- خدمت به مردم

حضرت یوسف 7 ابتدا در زندان انفرادی بود. زلیخا دستور داده بود مدتی حضرت یوسف 7 را تحت فشار و شکنجه قرار دهند، شاید از این راه متنبه شده و به او گرایش پیدا کند؛ ولی این فشارها در او اثر نکرد. چون زلیخا در باطن علاقه‌ی شدیدی به یوسف 7 داشت تحملش تمام شد و دستور داد حضرت را به زندان عمومی ببرند. حضرت یوسف 7 در زندان عمومی با ۱۴۰۰ نفر هم زندانی بود. آن حضرت در زندان حلال مشکلات زندانیان بود، در بیماری پرستارشان بود، عیادتشان می‌کرد و در هنگام احتیاج، نیازهای آنان را مرتفع می‌کرد و همیشه انیس زندانیان بود و با غمخواری گرد و غبار غم و اندوه زندان را از آنان می‌زدود. او برای کسانی که به هیچ جایی دلبستگی نداشتند پناهگاه خوبی بود. خدمات حضرت یوسف 7 موجب جذب زندانیان به سوی او بود. جملات دو زندانی که از حضرت یوسف 7 تعبیر خواب خود می‌خواستند، گویای خدمات او در زندان است. آن دو زندانی گفتند:

«تَبَّنَّا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می‌بینیم.»  
فعل نراک مضارع است؛ یعنی، ما پیوسته تو را در حال احسان و خدمت می‌بینیم. این عبارت کاشف از این است که حضرت یوسف 7 خدمات مستمری در زندان داشته است.  
راز موفقیت یک روحانی این است که به مردم خدمت کند.

مبلغان معصوم : در خدمت مردم

پیامبر 6 ائمه‌ی طاهرین: قطع نظر از شیوه‌های تبلیغی‌شان، خدمات عجیبی به مردم می‌کردند که این‌ها خود زمینه ساز پذیرش دعوت و هدایت مردم و گرایش معنوی به سوی آن‌ها بود. وقتی امام سجاد 7 را غسل می‌دادند، دیدند علاوه بر این که هفت موضع سجده‌ی او پینه دارد، پشت حضرت نیز پینه بسته است. معنای این عمل این است که همان طور که باید در مسیر عبادت تلاش وافر داشت، در مسیر خدمت به جامعه نیز این چنین باید تلاش کرد. در این صورت است که تبلیغات اثر می‌گذارد.  
حضرت امیرالمؤمنین 7 به خانه‌ی یک پیرزن می‌رود و بچه داری می‌کند تا بیرون نان بیزد. این خدمت حضرت علی 7 به آن پیرزن از صد منبر اثرش بیشتر است. این یک امر طبیعی است که «الانسان عبید الاحسان».

خاطره‌ی تبلیغی

در اولین سفر تبلیغ - که خدا توفیق تبلیغ داده بود- چون از منبر رفتن در شهر خجالت می‌کشیدم به یکی از روستاهای اطراف اصفهان رفتم تا راحت‌تر بتوانم صحبت کنم. مرد سابقه داری آن جا بود که فوت شده بود. آن ها کسی را نداشتند. وقتی به آن جا رفتم، در محل دودستگی بود. یک عده

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۱۲

می‌خواستند مرا به این مسجد ببرند و عده‌ای دیگر خواهان رفتن به مسجد دیگر بودند.

انتخاب هر یک از این دو اسباب دردسر و زحمت می‌شد. چون محیط کوچک بود و به خاطر رقابت‌هایی که وجود داشت، غائله‌ای به وجود می‌آمد. گفتم روزها به این مسجد و شب‌ها به آن مسجد می‌آیم. این سبب شد مردم یک محله روزها به مسجد محله دیگر بیایند و شب‌ها بالعکس میزبان افراد محله دیگر باشند.

چند روزی که از ماه مبارک رمضان گذشته بود و در بین اهالی هماهنگی و انسجام ایجاد شد، تصمیم گرفتم به حمام محل بروم. حمام را قرق کردند تا به حمام برویم. وقتی داخل حمام رفتم از بوی عفونت خزینه امکان رفتن به داخل آن نبود و آب آن یقیناً مضاف بود از وسط حمام لباس‌هایم را پوشیدم و برگشتم.

شب منبر رفتم و به اهالی گفتم: شما چطوری حمام می‌روید؟ وضع حمامتان بسیار ناهنجار است. پیشنهاد می‌کنم یک حمام مناسب بسازیم. پیرمردی زمین حمام را داد و کار را شروع کردیم.

روز آخر ماه رمضان دیوارهای حمام تا زیر سقف رسیده بود. روز عید فطر مقداری پول به عنوان دستمزد برای بنده جمع کرده بودند و به من دادند. من همان جا معمار و مسئول کار ساختمان حمام را خواستم و پول را به او دادم و گفتم: به اندازه‌ی این پول، چند روزی به خاطر ثواب برای من کار کن. وقتی مردم دیدند که هر چه به من داده بودند برای کار حمام دادم، آن‌ها نیز به این کار خیر بیشتر تشویق شدند.

وقتی می‌خواستم از آن روستا بیرون بیایم، یکی از حاجی‌های روستا پانصد تومان که آن وقت ارزش زیادی داشت، داخل پاکت گذاشت و به من داد تا برای خودم باشد و آن را خرج حمام نکنم. اما همین که به اصفهان آمدم، قبل از رفتن به خانه به کوره‌ی آجرپزی رفتم و با آن پول آجر

۱۳/ ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ

خریداری کرده و به روستای محل تبلیغ فرستادم. بعد از ۳۵ سال هنوز اثر آن کار تبلیغی در آن روستا هست؛ یعنی، یک کار مثبت بیش از ۳۰ روز سخنرانی در ماه رمضان اثر داشته است.

### ۳- تثبیت علمیت

یکی از رازهای موفقیت حضرت یوسف 7 بعد از مسئله‌ی تقوا و خدمات اجتماعی این بود که، علمیت خودش را تثبیت کرد. این که مردم احساس کنند که گوینده از روی علم صحبت می‌کند، امر بسیار مهمی است. قرآن کریم ماجرای گفت و گوی دو زندانی و حضرت یوسف 7 را چنین بیان می‌کند:

«نَبَّأْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ\* قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي...!»؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می‌بینیم. [یوسف 7] گفت: پیش از آن که جیره‌ی غذایی شما فرا رسد از تعبیر خوابتان آگاه خواهیم ساخت، این از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است...».

فرمود: خدا این علم را به من داده است. این جا علمیت خودش را ثابت کرد و نتیجه را آن جا گرفت که عزیز مصر خواب عجیبی دید و کاهنان، علماء، ریاضیین و ... نتوانستند آن را تعبیر کنند و گفتند:

«أَصْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ»؛ خواب‌های پریشان و پراکنده‌ای است و ما را از تعبیر این گونه خواب‌ها آگاه نیستیم.».

---

۱ - یوسف / ۳۶ و ۳۷.

۲ - یوسف / ۴۴.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۱۴

آن‌ها بر اثر جهالتشان می‌گفتند خواب پریشان است. ولی یکی از دو رفیق زندانی یوسف در دربار، ساقی بود. او گفت: در زندانی کسی بود که علم داشت. او به سراغ حضرت یوسف 7 آمد و گفت:

«يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَ سَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ...»<sup>۱</sup>؛ یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره‌ی این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می‌خورند و هفت خوشه‌ی تر و هفت خوشه‌ی خشکیده [در بر می‌گیرند]...»  
حضرت یوسف 7 چنین تعبیر کرد که: هفت سال قحطی می‌شود و هفت سال سبز سالی. در هفت سال قحطی تمام ذخیره‌های هفت سال سبز سالی را مردم می‌خورند.

عزیز مصر برای جبران گذشته و سختی‌هایی که بر یوسف 7 وارد کرده بودند، از یوسف خواست کاری را در دربار بپذیرد. فرمود:

«اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»<sup>۲</sup>؛ مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرار ده، که نگه‌دارنده و آگاهم.»

او با عبارت «حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دو چیز را اثبات کرد. یکی امانت خود و دیگر علم خویش را.

یکی از رموز موفقیت شما مبلغان عزیز نیز همین است که مردم احساس کنند از سرچشمه‌ی پر فیضی بهره می‌گیرند. اگر توانستید مایه‌های قوی علمی کسب کنید موفق خواهید بود.

حضرت یوسف 7؛ مبلغ خدمتگزار

وقتی حضرت یوسف 7 وزیر کشاورزی شد، گفت: امسال رود نیل طغیان می‌کند و شما کشاورزان نمی‌توانید تمام زمین‌هایتان را زیر کشت ببرید، پس

۱ - یوسف / ۴۶

۲ - یوسف / ۵۵

اگر دلتان خواست زمین‌هایتان را به دولت واگذار کنید تا دولت آن زمین‌ها را زیر کشت ببرد و پنجاه درصد درآمد آن مال کشاورز و سی درصد از آن صاحبان زمین و بیست درصد هم مال دولت باشد.

مردم زمین‌ها را به یوسف 7 دادند، بعد از برداشت محصول، حضرت دستور داد بیست درصد سهمیه دولت را با خوشه‌ها انبار کنند تا بماند تا هفت سال کشاورزی را به عهده گرفت و گندم‌ها را در سیلوه‌ها ذخیره کرد. سال هشتم قحطی شد. در سال اول قحطی مردم مقداری ذخیره کرده بودند و بعضی هم گندم احتکار کرده بودند. حضرت دستور داد انبار گندم را به روی مردم باز کردند و با این تدبیر نرخ پایین آمد و احتکار کنندگان راه به جایی نبردند. همان سال اول گندم‌های مردم تمام شد. سال دوم مردم پول آوردند و گندم خریدند. سال سوم چون پول نداشتند، خانه‌های خود را به حضرت یوسف 7 واگذار کردند و گندم گرفتند. در طول هفت سال قحطی تمام مایملک مردم از خانه، فرش، ظرف، سرمایه، باغ و ملک، تمام این‌ها به حضرت یوسف 7 واگذار شد. به این صورت که قباله‌ها را می‌آوردند و به یوسف 7 می‌دادند و گندم می‌گرفتند.

پس از هفت سال قحطی، دوباره رود نیل طغیان کرد. مردم برای کشت هیچ نداشتند. از زمان وزارت حضرت یوسف 7 چهارده سال می‌گذشت. مردم را جمع کرد و گفت: «امسال سالی است که باید زراعت کنید. گفتند: چیزی نداریم، نه زمین، نه خانه و نه باغ. همه‌اش مال دولت است.»

حضرت پرسید: آیا من در طول این چهارده سال به شما احسان کردم؟ گفتند: اگر تو نبودی! از قحطی مرده بودیم.

گفت: تمام آنچه را که به دولت واگذار کردید، به شما بخشیدم. هر کس بیاید قباله‌هایش را بگیرد و برود. پس از چهارده سال خدمت خالصانه گفت: «قولوا لا اله الا الله.»

## ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۱۶

مردمی که از او خدمت خالصانه، پاکی، امانت و علم دیده بودند، تسلیم شدند. راه موفقیت در تبلیغ این است.

### وظیفه‌ی امروز ما

امروز کفر با تمام تجهیزات بسیج شده است. در روزنامه‌ها نوشته بودند که ۱۰۰ کشور دنیا با هم هماهنگ شده‌اند تا برای استقبال از دموکراسی مجلسی تشکیل دهند، این کار معنا دارد. معنایش این است که دنیا دست به دست هم می‌دهد تا ریشه‌ی دین کنده شود.

در چنین شرایطی یک دل خوشی وجود دارد و آن این است که آن‌ها به ما می‌رسانند، ولی خدا نمی‌گذارد که پاره شود.

خداوند حفظ می‌کند. ولی باید متذکر این نکته نیز بود که این مطلب از ما اسقاط تکلیف نمی‌کند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: اگر فکر می‌کنید که یک روزی از قدرت خودمان استفاده می‌کنیم و ریشه‌ی دشمنان را می‌کنیم، این را از گوشتان بیرون کنید. دشمنان انبیاء باید آزاد باشند تا خدا آن‌ها را آزمایش کند. انبیای الهی همه دشمن داشتند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛ این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آن‌ها به طور سری (و در گوشه) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند.»

نمونه‌ی کمک دادن شیطان‌های جنی و انسی به یکدیگر در جریان هجرت پیامبر اکرم (ع) اتفاق افتاد. در جریان هجرت، کفار مکه با هم نشستند



تا طرح قتل پیامبر اکرم<sup>6</sup> را بریزند. شیطان در شکل پیرمرد نجاری ظاهر شد و گفت: اگر می‌خواهید او را بکشید، راهش این است.

به عبارت «زخرف القول» در آیه‌ی فوق توجه کنید. زخرف یعنی طلا و زخرف القول یعنی قول طلایی.

وقتی می‌خواهند بگویند جمله‌ای خیلی زیبا و فریبنده است، می‌گویند «زخرف القول» است.

دشمنان وقتی می‌خواهند مردم را فریب دهند، از «زخرف القول» استفاده می‌کنند و بهترین قلم‌ها و بیان‌ها را استخدام کرده به جان جامعه می‌اندازند و مردم را فریب می‌دهند.

الان قلم‌ها و بیان‌های قوی و فریبنده‌ای استخدام شده است و در روزنامه‌ها و از طریق تربیون‌ها با بیانات شیوا مردم را می‌فریبند.

دانشگاه جایی است که با سوادهای جامعه غربال شده و نخبگان آن‌ها به آن وارد شده‌اند. جوانان خوش فکر در دانشگاه هستند و امروز دشمن در دانشگاه لانه کرده است، یعنی؛ روی قشر جوان غربال شده‌ی جامعه سرمایه‌گذاری کرده است. آن‌ها با زخرف القول جلو آمده‌اند و وظیفه ما بسیار سنگین است. گر چه قدرت و گروهمان کم باشد، در صورتی که تلاش کنیم، خداوند کمکمان خواهد کرد: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> ما نباید مأیوس شویم، بلکه باید دست به دامان ولی عصر<sup>4</sup> شویم و زیر بناهای تبلیغی را فراهم کرده، دردهای جامعه را بفهمیم، بیماری‌های عقیدتی و اخلاقی را ارزیابی کنیم، علاج‌ها را کاملاً در نظر بگیریم و با صبر و استقامت در مقابل این طوفان خطرناک مقاومت کنیم: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَتَّبِعْ أَقْدَامَكُمْ»<sup>۲</sup>

۱ - بقره/۲۴۹.

۲ - محمد ۷/۶.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۱۸

انبیای الهی رنج کشیدند. پیامبر اکرم 6 فرمود: «ما اوذی نبی مثل ما اوذیت»<sup>۱</sup> آن‌ها راحتی را برای خودشان حرام کردند. ما نیز باید خواب را بر خودمان حرام کنیم و بی وقفه کار کنیم. انشاء الله خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد تا از حریم دین دفاع و دل امام زمان 4 را خوشحال کنیم.

## سرمشق‌های زنده‌ی تبلیغات<sup>۲</sup>

مقدمه

---

۱ - کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۷.

گفت پیغمبر بهر کهل و صبی

مثل ما اوذیت ما اوذی نبی

آن اذیت‌ها که شد وارد به من

کس نداند جز خدای ذو المنن

۲ - این سخنرانی در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۳۰ در مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان ایراد شده است که با اندکی تلخیص و تبدیل از زبان گفتاری به نوشتاری، به محضر خوانندگان گرامی تقدیم می‌گردد.

قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ<sup>۱</sup> چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند. شاید آن‌ها بترسند.»

شغل طلاب علوم دینی، شغل انبیاء است. هدف از تفقه در حوزه‌های علوم دینی باید تبلیغ و انذار قوم باشد تا مردم تحت تأثیر همین تبلیغات ساخته شوند. از آن جا که حرکت تبلیغی ما، ادامه‌ی حرکت تبلیغی انبیای الهی است باید روش انبیاء را در تبلیغ دین، الگوی خویش قرار دهیم.

خداوند متعال برنامه‌های تبلیغی انبیاء را در قرآن کریم منعکس کرده است و ما می‌توانیم شیوه‌های تبلیغ را از قرآن فرا گیریم. به عنوان نمونه اولین آیات وحی در غار حرا بر پیامبر اکرم 6 نازل شد، که:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»<sup>۲</sup>

خداوند متعال با اولین آیات وحی به پیامبرش می‌آموزد که مسأله‌ی دین بر مبنای علم است و پیامبری که می‌خواهد دین را تبلیغ کند، ابتدا باید قرائت و خواندن را تمرین کند.

پیامبر اکرم 6 پس از دریافت اولین فرازهای وحی خسته و کوبیده به سوی خانه روانه می‌شود. غار حرا در دامنه‌ی کوه صعب‌العبوری است و پایین آمدن از آن پیامبر را خسته کرد. وقتی به خانه می‌رسند، می‌خواهند تا قدری بیاسایند. جبرئیل امین نازل می‌شود و اولین آیه‌های سوره‌ی مدثر را برای او قرائت می‌کند. این آیات، برنامه‌ی بیست و سه سال تبلیغ پیامبر اکرم 6 است. فرامین شش‌گانه‌ی مطرح شده در این سوره، همیشه سرمشق‌های زنده‌ای

۱ - توبه / ۱۲۲.

۲ - علق / ۵ - ۱.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۲۰

برای تبلیغات دینی است. اینک فرامین شش‌گانه‌ی خداوند در رابطه با تبلیغ را به عنوان سرمشق‌های زنده‌ی تبلیغات مطرح می‌کنیم.

### سرمشق‌های زنده‌ی تبلیغات

خداوند متعال در سوره‌ی مدثر می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ \* وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ \* وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ \* وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ \* وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْبِرُ \* وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ؛ ای جامه بر خود پیچیده! برخیز و انذار کن و پروردگارت را بزرگ بشمار و لباست را پاک کن و از پلیدی دوری کن و منت مگذار و فزونی مطلب و به خاطر پروردگارت شکیبایی کن.»

### (۱) بسیج قوا

خداوند متعال در اولین دستور خود می‌فرماید: «قُمْ فَاَنْذِرْ». گرچه کلمه‌ی قیام در لغت به معنای ایستادن است؛ ولی منظور از کلمه‌ی قُمْ در این جا این نیست که الان پا شود و بایستد. انسان وقتی بخواهد کاری انجام دهد، باید تمام نیروهای خود را بسیج کند؛ مثلاً، در جنگ باید آنچه را در توان دارد، برای مبارزه با دشمن صرف کند. در رختخواب و به صورت نشسته نمی‌توان با دشمن جنگید. چون انسان در حالت خواب بر همه‌ی قوای خود تسلط ندارد. اگر نشست، مقداری از نیروها در اختیارش می‌آید. اگر ایستاد، بر تمام قوا مسلط شده و می‌تواند با دشمن بجنگد.

کلمه‌ی «قُمْ» اشاره به همین معنا دارد؛ یعنی، یا رسول الله اینک که می‌خواهی برای تبلیغ آماده شوی، باید تمام نیروهایت را بسیج کنی تا بتوانی وظیفه‌ی تبلیغ را به انجام رسانی.

### (۲) انذار

وظیفه‌ی دوم انذار است. فرمود: «قُمْ فَاذْر؛ بایست پس انذار کن.» انذار کنایه از تبلیغ است، زیرا تبلیغ مراحل دارد و اوّلین مرحله‌اش انذار است. اگر بخواهیم روی یک تابلو که قبلاً چیزهایی ترسیم شده است، چیزی را ترسیم کنیم، باید اوّل نوشته‌ها و نقش‌های پیشین را پاک کنیم. با وجود آن‌ها نمی‌توان به هدف رسید. انبیای الهی نیز اوّل باید انذار کنند تا به وسیله‌ی آن، مرحله‌ی تخلیه صورت گیرد و نوبت به مراحل تخلیه و تجلیه برسد.

قرآن کریم درباره‌ی پیامبر اکرم 6 می‌فرماید: «يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»<sup>۱</sup>

بدون انذار تزکیه تحقق پیدا نمی‌کند و تا تزکیه نباشد تخلیه نمی‌شود. در ابتدا بهترین راه تبلیغ استفاده از شیوه‌ی انذار است، به صورتی که لرزه بر اندام مستمع اندازد، در این صورت مستمع بیشتر خواهد شد.

برای تزریق آمپول به بدن، اوّل باید پوست بدن به وسیله‌ی سوزن شکافته شود. تا پوست شکافته نشود، امکان انتقال موادّ به داخل رگ وجود ندارد. برای ورود موعظه به قلب شنونده نیز اوّل باید قلب او شکافته شود. تا گوینده، قلب شنونده را قبضه نکند، موعظه اثر نمی‌گذارد و یکی از شیوه‌های قبضه کردن قلب مخاطب، انذار است.

مثلاً، اگر در شب‌های قدر بخواهد مردم را وادار به توبه کند، اوّل باید قدری آن‌ها را انذار کند و مسائلی از قبیل: مرگ، سكرات مرگ، شب اوّل قبر، فشار قبر، جهنّم، ملائکه‌ی غلاظ و شداد و ... را مطرح کرده و قلوب آن‌ها را آماده‌ی پذیرش بحث توبه کند، آن وقت موعظه‌اش اثر می‌گذارد.

(۳) روشنی هدف

امروزه دنیا، دنیای تبلیغات است و برای کارهای تبلیغاتی هزینه‌های فراوان می‌شود. به عنوان نمونه شهرداری برای تبلیغ از یک شغل یا یک

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۲۲

کالا آن هم فقط روی یک تابلو در یک جای غیر حساس شهر، چهارصد هزار تومان دریافت می‌کند و اگر بخواهد در جای حساس شهر آن را نصب کند، میلیون‌ها تومان پول می‌گیرد - بسیاری از افراد این پول را می‌پردازند - این‌ها نشانه‌ی اهمّیت تبلیغات در دنیای معاصر است. مبلغ باید هدف خود را در تبلیغ روشن کند و بدون هدف و یا با هدفی غلط سرمایه‌ی عظیم تبلیغ را بر باد ندهد.

آیه‌ی شریفه «و ربک فکبر» هدف تبلیغ را تبیین می‌کند. این آیه می‌خواهد به پیامبر اکرم 6 بگوید که: الآن مردم در اثر جهل، خدا را آن قدر پایین آورده‌اند که او را در حد یک بت قرار داده و پرستش می‌کنند. تو باید آن قدر کار کنی تا خدا را در نظر مردم بزرگ جلوه دهی. [آنچنان که هست]. مردم تا به این دنیا چسبیده‌اند، رشد نمی‌کنند. باید کاری کنیم که این دنیا و آنچه که در آن است در نظر مردم بی ارزش باشد، تا رشد پیدا کنند. باید کاری کرد که مردم خدا را بزرگ بشناسند و تسلیم او شوند. این که در هر جایی از نماز «الله اکبر» می‌گوییم معنایش چیست؟ برای قرائت، رفتن به رکوع، رفتن به سجده و ... «الله اکبر» می‌گوییم. معنایش این است که اعمالی که انجام می‌دهیم، بر مبنای «تسلیم الی الله» است و تا خدا را بزرگ تر از همه چیز ندانیم، آن حالت تسلیم محض برای ما پیدا نمی‌شود. هدف از تبلیغ توجّه مردم به سوی خداست و برای رسیدن به این هدف باید خدا را بزرگ معرفی کرد تا مردم از غیر خدا جدا شوند و به سوی خدا و معنویت هدایت شوند.

(۴) تواضع، شرط اساسی

یکی از شرایط اساسی مبلغ، تواضع و فروتنی است. در ذیل آیه‌ی شریفه «و تيابک فطهر» مفسرین فرموده‌اند: مردم خیلی متکبر بودند و این تکبرشان بر اساس جهل بود. لباس‌هایشان را خیلی بلند می‌دوختند. به گونه‌ای که هنگام راه رفتن به زمین کشیده شده و آلوده می‌گردید.

در همین زمان هم موارد مشابه وجود دارد. زمانی که شاه معدوم می‌خواست با فرح ازدواج کند، پیراهنی در فرانسه برای فرح دوختند. وقتی آن را پوشید، نمی‌توانست راه برود. دو نفر می‌آمدند، یکی این طرف پیراهن و دیگری آن طرف پیراهن را بالا می‌گرفت تا او بتواند راه برود. این نحوه لباس پوشیدن برای اظهار بزرگی و عظمت بود.

خداوند متعال برای این که پیامبر اکرم 6 را متوجه مسأله‌ی تواضع کند، با کنایه می‌فرماید: «وَتِيَابِكَ فَطَهَّرُ» یعنی باید کاری کنی که لباس آلوده نشود؛ یعنی، باید لباس‌هایت را کوتاه بگیری تا آلوده نشود و این کنایه از تواضع است.

کسی که می‌خواهد مردم را ارشاد و راهنمایی کند، باید مردمی باشد. برای مردمی شدن باید واقعا با مردم آمیخته شد. تا مبلغ تواضع پیدا نکند، نمی‌تواند مردمی باشد و در آن‌ها اثر بگذارد. موفق‌ترین مبلغین کسانی بودند که با مردم آمیخته بودند، در میان مردم بودند و با مردم معاشرت داشتند.

#### ۵) پرهیز از آلودگی

خداوند متعال در پنجمین دستور خود در آیه‌ی شریفه‌ی «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ» پیامبر خویش را از آلودگی‌ها بر حذر می‌دارد. هر یک از آلودگی‌های فکری، اخلاقی و عملی موجب عدم موفقیت مبلغ در امر تبلیغ دین است. زیرا نقطه ضعف‌های عقیدتی، اخلاقی و عملی، قوی‌ترین عامل برای خنثی کردن تبلیغات است. اخلاق بد مبلغ موجب می‌شود زحماتش بر باد رود. عقیده‌ی انحرافی و یا عمل بد و معصیتی که از مبلغ سر می‌زند، نیز این چنین است.

این که می‌گوییم: انبیاء و ائمه‌ی اطهار: باید عصمت داشته باشند و حتی سوء سابقه از طفولیت تا هنگام مرگ نداشته باشند «چه در گناه کبیره، و چه در گناه صغیره، چه به صورت عمدی یا سهوی» برای همین امر است.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۲۴

حضرت موسی ۷ وقتی که می‌خواست، به تبلیغ برود، فرمود: «وَأَلْهَمُوا عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ»<sup>۱</sup>؛ خداوند به او فرمود: برای تبلیغ به سوی مصر حرکت کن؛ و او می‌خواهد بگوید خدایا! من یک سابقه دارم و نمی‌توانم آن جا بروم؛ من آدم کشته‌ام، ولو به حق کشته بود ولی می‌گویند می‌ترسم آن جا بروم و آن‌ها بخواهند قصاص کنند و من به هدف نرسم.

اتفاقاً وقتی حضرت موسی ۷ با فرعون مواجه شد، فرعون انگشت روی همین نقطه ضعف گذاشت و گفت: تو همان نیستی که آدم کشتی؟ وقتی فرعون می‌خواهد تبلیغات حضرت موسی ۷ را خنثی کند، مسأله‌ی پرونده‌ی قتل آن قبطی را مطرح می‌کند و این خیلی مهم است. البته حضرت موسی ۷ گناهکار نبود ولی فرعون و اطرافیان او، او را گناهکار می‌دانستند و از این فرصت استفاده می‌کردند.

باید بهترین و پاک‌ترین افراد در مسیر تبلیغ گام بر دارند تا نقطه‌ی ضعفی از گذشته خود در طول زندگی نداشته باشند. کسی می‌تواند در جامعه تبلیغ کند که به عنوان فرد آلوده و منحرف شناخته نشده باشند.

مبلّغ باید هدف خود را در تبلیغ روشن کند و بدون هدف و یا با هدفی غلط سرمایه‌ی عظیم تبلیغ را بر باد ندهد.  
۶) پرهیز از منت گذاشتن

در رابطه با آیه‌ی کریمه‌ی «وَلَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْبِرُ» دو نکته قابل توجه است:

الف - منت گذاشتن بر مردم، موجب خنثی شدن عمل است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»<sup>۲</sup>؛

---

۱ - شعراء/ ۱۴.

۲ - بقره/ ۲۶۳.



اگر کسی صدقه بدهد و بعد از آن منت بگذارد، صدقه‌اش را بی اثر می‌کند. اگر مبلغ نیز مردم را ارشاد کرد و بر سر آن‌ها منت گذاشت، اثر تبلیغات او خنثی می‌شود.

ب - یکی از چیزهایی که انسان را از کار باز می‌دارد، این است که فکر کند به مرحله‌ی نهایی رسیده است.

مبلغ نباید فکر کند که کار مهمی کرده است. او نباید خدمات خودش را جلوه داده و بگوید من چنین و چنان کردم.

او نباید فکر کند که به مرحله‌ی نهایی از خدماتی که باید انجام می‌داد رسیده است. زیرا هر مقدار که انسان تلاش کند، باز هم کم است. اگر انسان بار مسئولیت را احساس کند، واقعاً می‌فهمد که در مقابل آن مسئولیت خطیر الهی کاری نکرده است.

#### یک خاطره

علامه‌ی مجلسی 1 ظرف ۶۳ سال عمر خود خدمات بزرگی انجام داده است. او یک دوره بحار را نوشت که فقط خواندنش برای ما مشکل است تا چه رسد به این که بخوایم جمع آوری کنیم، بخوانیم، بنویسیم و تحقیق و ترجمه کنیم. سید نعمت الله جزایری 1 مدت هشت سال در اصفهان بود و در مدرسه‌ی خالصیه تدریس می‌کرد. علامه‌ی مجلسی 1 به حاج محمد تقی دولت آبادی 1 دستور داد برای تدریس سید نعمت الله جزایری 1 این مدرسه را بسازد. قبل از این که این مدرسه ساخته شود، سید نعمت الله جزایری 1 در خانه‌ی علامه‌ی مجلسی 1 مشغول کار بود. سید نعمت الله 1 می‌گوید: «سه ساعت بعد از نیمه شب بود. صدای در را شنیدم. فهمیدم کسی غیر از علامه‌ی مجلسی 1 نیست. در را باز کردم. علامه وارد خانه شد و گفت: من در یک جمله از روایتی گیر کرده‌ام، نظر شما چیست؟».

وقتی انسان این کار شبانه روزی را می‌بیند، واقعاً احساس حقارت می‌کند. اگر شبانه روز تبلیغ کنیم، باید این احساس را داشته باشیم که هنوز هم کاری نکرده

### رمز موفقیت

آخرین و مهم‌ترین دستور خداوند متعال بعد از مراحل شش‌گانه‌ی فوق سفارش به صبر و بردباری در راه خداست «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» تبلیغ دین کار سختی است و مشکلات عدیده‌ای دارد. ناراحتی‌ها، خستگی‌ها و کوفتگی‌ها دارد و اگر صبر نباشد، کسی در مراحل ذکر شده موفق نیست. اگر انسان طاقتش کم شود، نمی‌تواند هیچ کدام از دستورات یاد شده را اجرا کند. صبر در امر تبلیغ از میان انواع سه‌گانه‌ی صبر (صبر در طاعت، صبر در مصیبت، صبر در معصیت) از نوع صبر بر طاعت خداوند است.

### پیامبر اسلام 6 الگوی تبلیغ

پیامبر اسلام 6 دستورات الهی تبلیغ را در اولین فرازهای وحی گرفت و در طول بیست و سه سال آن‌ها را پیاده کرد. بر ماست که تک‌تک آن‌ها را از لابلای حوادث و جریانات زمان پیامبر اکرم 6 جست و جو کنیم.

باید دید که آن بزرگ منادی توحید چگونه قیام کرد؟

چگونه انذار کرد؟

چگونه خدا را تکبیر کرد؟

و چگونه از پلیدی‌ها پرهیز نمود؟

او چگونه تواضع کرد؟

و چگونه برای اجرای این دستورات الهی صبر پیشه کرد؟

نحوه‌ی رفتار پیامبر اکرم 6 در طول مدّت تبلیغ دینی‌اش برای ما الگوست.

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۱</sup> و برای شرح زندگانی پیامبر 6 بهترین سند خود قرآن است. تمام اعمال، برنامه‌ها و دستورات خداوند به پیامبر اکرم 6 در قرآن منعکس شده است.

۲۷ / ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ

باید دید خداوند به پیامبر اکرم چه چیزی را نشان می‌دهد.  
دستورات الهی به پیامبر اکرم در رابطه با تبلیغ چیست و شیوهی پیاده  
کردن آن‌ها از سوی پیامبر اکرم چگونه است؟  
که همه‌ی آن‌ها می‌تواند سرمشق‌های زنده‌ای برای تبلیغات ما باشد.

## رسالت علامه مجلسی 1 در سایه سار ثقلین

## هدایت مردم در پرتو تزکیه و تعلیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>۱</sup>

بزرگترین رسالت انبیاء، تعلیم و تزکیه است. وقتی انبیاء احساس می‌کنند مردم در ضلالت هستند، طبق مأموریت بسیار سنگین و خطیری که دارند باید اقدام کنند و متناسب با شرایط زمان و مکان، نقش خود را در نجات مردم ایفا نمایند. رسالت فقهای اسلام، نیز همان رسالت انبیاء است: «الْفُقَهَاءُ أَمَنَاءُ الرَّسُلِ»<sup>۲</sup> و خدا می‌داند این وظیفه سنگین را به عهده‌ی چه ظرفیت‌هایی بگذارد، اعم از انبیاء و اعماء الرسل: «اللَّهُ يَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتِهِ»<sup>۳</sup>

در این جا به دلیل بیان رسالت علامه مجلسی<sup>۱</sup>، به معرفی عظمت شخصیت ایشان می‌پردازیم:

تلاش علامه برای زدودن آثار جاهلیت زمانه

زمانی که این بزرگوار، مردم را در گمراهی و فساد غوطه ور می‌بیند، همان رسالت پیامبر اسلام را نسبت به جامعه به عهده‌ی خود احساس می‌کند. در طلیعه‌ی بحار الانوار چاپ تهران، علامه چنین می‌فرماید:

---

۱ - جمعه/۲. اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۲ - الکافی، (ط - الإسلامیة)، ج ۱، ص ۴۶.

۳ - الکافی، (ط - الإسلامیة)، ج ۳، ص ۵۰۰.

«و لَمَّا رَأَيْتَ الزَّمَانَ فِي غَايَةِ الْفَسَادِ، وَ وَجَدْتَ أَكْثَرَ أَهْلِهَا حَائِدِينَ عَمَّا يُوَدَّى إِلَى الرَّشَادِ، خَشِيْتُ أَنْ تَرْجِعَ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَى مَا كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ النِّسْيَانِ وَ الْهَجْرَانِ، وَ خَفْتُ أَنْ يَتَطَرَّقَ إِلَيْهَا التَّشْتُّتُ...»<sup>۱</sup>

به نظر ایشان شرایط، همان شرایط جاهلیت و دوران، دوران خطیری است و باید یک انسان مقتدر، برای اصلاح جامعه تلاش کند و در این راه از پیامبر و امانت و یادگار پیامبر کمک جوید. ضمن مراجعه به حدیث ثقلین که عامه و خاصه به حد تواتر آن را نقل کرده‌اند، در می‌یابیم کتاب الله و عترت رسول الله امانت پیامبر 6 هستند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی.»<sup>۲</sup> گرچه بعضی از اهل سنت می‌گویند: «کتاب الله و سنتی» بسیار خوب ما روی هر دو مطلب بحث داریم: کتاب الله و عترت؛ کتاب الله و سنت.

اما کتاب الله، آیا کسی می‌تواند تنها با مراجعه به قرآن، مفاهیم واقعی کتاب الله را استنباط کند؟

---

۱ - و لَمَّا رَأَيْتَ الزَّمَانَ فِي غَايَةِ الْفَسَادِ، وَ وَجَدْتَ أَكْثَرَ أَهْلِهَا حَائِدِينَ عَمَّا يُوَدَّى إِلَى الرَّشَادِ، خَشِيْتُ أَنْ تَرْجِعَ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَى مَا كَانَتْ عَلَيْهِ مِنَ النِّسْيَانِ وَ الْهَجْرَانِ، وَ خَفْتُ أَنْ يَتَطَرَّقَ إِلَيْهَا التَّشْتُّتُ لِعَدَمِ مَسَاعِدَةِ الدَّهْرِ الْخَوَّانِ، وَ مَعَ ذَلِكَ كَانَتْ الْأَخْبَارُ الْمُتَعَلِّقَةُ بِكُلِّ مَقْصِدٍ مِنْهَا مُتَفَرِّقًا فِي الْأَبْوَابِ، مُتَبَدِّدًا فِي الْفُصُولِ، فَلَمَّا يَتَبَسَّرُ لِأَحَدِ الْعُثُورِ عَلَى جَمِيعِ الْأَخْبَارِ الْمُتَعَلِّقَةِ بِمَقْصِدٍ مِنَ الْمَقَاصِدِ مِنْهَا، وَ لَعَلَّ هَذَا أَيْضًا كَانَ أَحَدَ أَسْبَابِ تَرْكِهَا وَ قَلَّةِ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي ضَبْطِهَا. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱، المدخل، ص ۲۴).

۲ - با استقرار و جستجوی مختصر پی می‌بریم که پیامبر اکرم 6 این حدیث را در ۵ موضع ذکر فرموده‌اند: ۱- هنگام بازگشت از طائف در سال ۸ هجرت بعد از فتح مکه؛ ۲- روز عرفه، هنگامی که حضرت بر شتر قصواء خطبه می‌خواند؛ ۳- در مسجد خیف در منی در حجة الوداع؛ ۴- روز غدیر خم؛ در آخرین خطبه‌ای که پیامبر در روز شهادت خود ایراد فرمود. (مرجعیت دینی اهل بیت : و پاسخ به شبهات، ص ۱۲۰-۱۲۱)

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۳۰

خود قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»، از آیه استفاده می‌شود که «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ» یک وظیفه و «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» وظیفه‌ی دوم است. اگر خواندن متن قرآن به تنهایی و بدون نیاز به مفسری که مفاهیم عالی قرآن را تبیین نماید، کافی باشد، دیگر «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ» معنی ندارد.

اما آشنا به معارف قرآن چه کسی است؟ «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ حُوِّطَ بِهِ»<sup>۲</sup> قطب الخطاب قرآن، خود پیامبر<sup>۶</sup> است. از اول «الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ» تا آخر «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» در تمام مقاطع مخاطب شخص رسول الله است و اگر جایی خداوند با مردم سخن دارد، به وسیله‌ی پیامبر این ابلاغ را انجام می‌دهد و با یک کلمه‌ی «قُلْ» این معنی را می‌رساند. پس قرآن به تنهایی به عنوان امانت به دست دیگران سپرده نشده است؛ بلکه قرآن امانتی است که با قید «يعلمهم الكتاب» و با قید عترت و یا سنت، به فرض آن که روایت «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و سنتی»<sup>۳</sup> باشد، واگذار شده است.

اهل سنت بعد از صد سال منع از نقل حدیث، به این نتیجه رسیدند که دانشمند و فقیه نمی‌تواند بی‌نیاز از حدیث باشد و لو خلیفه‌ی دوم اعلام کرده

---

۱ - جمعه/۲.

۲ - الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۸، ص ۳۱۲؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۴۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

۳ - موطأ مالک با شرح سیوطی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۹۳؛ روایت «کتاب الله و سنتی» هیچ سند صحیح و معتبری ندارد؛ زیرا این روایت را ۸ نفر از علمای اهل سنت نقل کرده اند که سند تمامی آنها ضعیف و خالی از اشکال نیست. (مرجعیت دینی اهل بیت : ، ص ۱۵۵)

باشد: «حسبنا کتاب الله»<sup>۱</sup> علمای عامه با تمام احترام و اعتقادی که نسبت به خلیفه‌ی دوم قائل بودند، قاعدتاً نباید کلام او را نقض کنند و کتاب بخاری و مسلم و غیر ذلک را بنویسند و «صحاح سته»<sup>۲</sup> را تنظیم کنند. ولی احساس کردند که نمی‌توانند از حدیث و سنت بی‌نیاز باشند.

### تمسک جدی علامه به قرآن و روایات برای اصلاح جامعه

علامه‌ی مجلسی احساس‌شان این است که برای اصلاح جامعه؛ هم تمسک به قرآن لازم است؛ هم تمسک به عترت که مبین قرآن هستند. ایشان در متن مقدمه‌ی بحار می‌فرماید: «من لمس کردم که گم شده- های من در اخبار و احادیث اهل بیت: است و جای دیگر خبری نیست. علت آن هم این است که علوم دیگران پشتوانه‌ی وحی ندارد و قابل اعتماد نیست؛ ولی گفتار ائمه: برای آن که پشتوانه‌اش وحی است، قابل اعتماد می‌باشد، «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ»<sup>۳</sup> امتیاز ائمه هدی: این است که گفتارشان از طریق مخاطب اصلی قرآن، مستند به وحی است و از خودشان چیزی نمی‌گویند.

امام باقر 7 می‌فرماید: «من هر چه می‌گویم از پدرم، هر چه پدرم می- گوید از پدرش و هر چه او می‌گوید از پدرش و هر چه او می‌گوید از

---

۱ - صحیح بخاری، باب ۱۷، ح ۱؛ صحیح مسلم، کتاب الوصیه، باب ۶، ح ۸؛ صحیح بخاری، کتاب العلم، باب ۳۹، ح ۴.

۲ - صحاح سته عبارتند از: ۱- صحیح بخاری، تألیف: ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)؛ ۲- صحیح مسلم، تألیف: ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، (م ۲۶۱ق)؛ ۳- سنن ابن ماجه، تألیف: ابوعبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م ۲۷۳ق)؛ ۴- سنن ابوداود، تألیف: ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی، (م ۲۷۵ق)؛ ۵- سنن ترمذی، تألیف: ابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی، (م ۲۷۹ق)؛ ۶- سنن نسایی، تألیف: ابوعبدالرحمان احمد بن شعیب نسایی، (م ۳۰۳ق).

۳ - الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۸، ص ۳۱۲؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۴۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۳۲

امیرالمؤمنین 7 و هر چه امیرالمؤمنین 7 می‌گوید از رسول خداست<sup>۱</sup> و رسول خدا هم «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ \* عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ»<sup>۲</sup> امام باقر و ائمه دیگر ما: از خودشان چیزی ندارند، تمام مستند به وحی است؛ پس گفتارشان تضمین دارد و بیمه شده است.»

### مراحل استفاده‌ی صحیح از احادیث عترت طاهره:

برای استفاده از احادیث عترت طاهره چند کار حساس و اساسی باید انجام بگیرد:

#### الف- گردآوری احادیث

کار اول، جمع آوری احادیث است که خود ایشان در مقدمه‌ی بحار می-فرمایند: «کتب احادیث در سراسر نقاط اسلامی پراکنده و متشتت بود.» همّت نشده بود که این‌ها جمع آوری بشود.

مرحوم کلینی<sup>۱</sup> از اصول اربعمائه استفاده کرد، جمع آوری، گلچین و تبویب کرد، ولی این تمام احادیث شیعه نبود، کتب دیگر هم بود و علامه مجلسی<sup>۱</sup> از قدرت و توان خود استفاده کردند و کتاب‌ها را از تمام نقاط کشورهای اسلامی جمع کردند. این خیلی کار عظیمی است. چقدر باید سرمایه‌گذاری بشود تا این مجموعه‌ها از اقصی نقاط کشورها برای تفحص و تحقیق در اصفهان و نزد علامه مجلسی<sup>۱</sup> گردآوری گردد. تا انسان خودش

---

۱ - مانند چنین روایتی هم از امام صادق<sup>۷</sup> نقل شده است. «حدیثی حدیث ابی، و حدیث ابی حدیث جدی، و حدیث جدی حدیث الحسین، و حدیث الحسین حدیث الحسن و حدیث الحسن حدیث امیرالمؤمنین و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله عزوجل».

۲ - نجم/ ۳- ۵. و از سر هوس سخن نمی‌گوید. \* این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست. \* آن را [فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت.



۳۳ / ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ

برای جمع آوری مآخذ و مدارک اقدام نکند، متوجه نمی‌شود که چه کار سنگین و پرباری است.

#### ب- تثبیت احادیث به وسیله‌ی اسناد

کار دوم، تثبیت احادیث به وسیله‌ی اسناد است. یک حدیث اگر مستند نباشد، اعتبار ندارد و برای مستند کردن روایات بایستی مرارت فراوانی را متحمل شد. اجازاتی که در این زمینه مطرح است واقعاً مسئله مهم و قابل تأملی است و بیان‌گر اهمیت نقش سند در حدیث است. به دست دادن پشتوانه و سند اخبار باعث اعتبار مجموعه و موجب اعتماد مراجعه کننده می‌شود. علامه در این باره کتاب رجال نوشته‌اند و موجب شگفتی است که این کتاب را داخل کجاوه، زمانی که از اصفهان به مشهد می‌رفتند، تدوین کرده‌اند.

#### ج- تبیین احادیث

کار سوم، مسأله تبیین احادیث است. فهم حدیث کاری بس مشکل است: «رحم الله من عرف معانی کلامنا؛ رحمت خدا بر کسی که درک کند ما چه می‌خواهیم بگوییم.»<sup>۱</sup>

نویسنده‌ای با استناد به حدیث «لا تطوفن بالقبور» به شیعه اشکال کرده بود که چرا دور قبر ائمه : طواف می‌کنند. اما پس از بررسی دیدم روایت در باب احکام تخلی نقل شده و طوف یعنی قضای حاجت. این شخص، طوف را به معنای طواف گرفته بود، در حالی که معنای حدیث این است که: روی قبرها قضاء حاجت نکنید.

---

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 قَالَ: أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ مَا عَرَفْتُمْ مَعَانِيَ كَلَامِنَا إِنَّ كَلَامَنَا يَنْصَرِفُ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا. (الإختصاص، النص، ص ۲۸۸؛ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد 6، ج ۱، ص ۳۲۹)

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۳۴

نفهمیدن لغت، کلام و مقاصد ائمه معصومین: یک بلای بزرگی است و خسارت‌های سنگینی را به معارف اسلامی و انسانی وارد کرده است. از اول تا آخر بحار را انسان باید بخواند تا بداند تبیین به چه کیفیت انجام گرفته است. نقل است: مرحوم آقا سید محمد صادق که از مدرسین بزرگ اصفهان و از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی بوده‌اند (که بعضی نگارش متن کفایه را به ایشان نسبت می‌دهند، البته بیانات از مرحوم آخوند بوده) ایشان فرمودند: «علامه مجلسی شاگرد خانه‌ی اهل بیت: بوده، شاگرد خانه کسی است که زبان صاحب خانه را بهتر می‌فهمد، حتی ایماء و اشاره صاحب خانه را خوب درک می‌کند، و واقعاً این‌گونه است. وقتی انسان مراجعه می‌کند که ایشان آن اخبار مشکل را با چه قلم شیوا و رسایی تبیین کرده‌اند، بر علامه آفرین می‌گوید و این نیست مگر به سبب عشق و علاقه‌ی شدید مجلسی<sup>۱</sup> به ائمه‌ی اطهار: که ایجاب می‌کند ایشان در احادیث ذوب بشود و معانی آن‌ها را لمس کند.

د- استفاده از قرآن برای سنجش احادیث

اما کار دیگری که می‌بایست انجام می‌گرفت، ارائه میزان برای قبول یا رد اخبار بود. میزان سنجش صحت و سقم یک حدیث، قرآن است. «هما لن یفترقا» و «اعرضوه علی القرآن ما وافق القرآن فخذوه و ما خالف القرآن فاضربوه علی الجدار»<sup>۱</sup>

مرحوم علامه از روی بینش و درایت، وقتی می‌خواهند وارد یک باب و یک بحث بشوند، اول میزان را ذکر می‌کنند. بحار را برای مردم عادی نوشتند! بحار کتابی است برای استفاده‌ی دانشمندان، یعنی هنگام مطالعه‌ی

---

۱ - «یعرض کل حدیث علی کتاب الله فما وافقه فخذوه و ما خالفه فاضربوه علی الجدار» ؛ مشکینی، میرزا علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، در یک جلد، نشر الهادی، قم - ایران، ششم، ۱۴۱۶ ه.ق.

بحار بایستی ابتدا به میزان توجه نمود و سپس با تأمل و تفکر، درباره‌ی حدیث قضاوت کرد، نه این که بدون توجه به میزان کسی به خود اجازه بدهد که به علامه دهن کجی کند و بنویسد «شلت یداک»<sup>۱</sup> و بگوید که چرا این روایت را نقل کردی. خدا می‌داند که چه ظلمی به علامه‌ی مجلسی شده است. این قدر یک انسان احتیاط را بکند، با دقت و سبکی عجیب اسناد را بررسی کند، حدیث را تبیین کند، میزان و مقیاس هم قرار بدهد، تازه مورد اهانت قرار بگیرد. این ظلم است و چه ظلمی از این بالاتر به یک محقق و نویسنده‌ی اسلامی، خدا کند کنگره‌ای تشکیل بشود فقط برای دفاع از حریم علامه‌ی مجلسی، همان طور که موالی مجلسی<sup>۱</sup> مظلوم بودند خود مجلسی<sup>۱</sup> هم مظلوم است.

ه- ترجمه‌ی احادیث

اما مرحله دیگر و کار آخر، ترجمه‌ی احادیث است. این احادیث باید در اختیار مردم قرار بگیرد و عموم مردم از آنها استفاده کنند، این هم کار بسیار

---

۱ - تعجب ما از دکتر شریعتی است که در کتاب های «نامه ای به پدر» و «حسین وارث آدم» بسیار بر علامه حمله می‌برد به گونه‌ای که اشک از دیدگان خواننده جاری می‌شود. آری بنا بر پرتو کتاب مصوب ۱۸۹۶ میلادی سران یهود عالم می‌گوید: «ما اراده قاطع نموده‌ایم که با استفاده از راه‌های گوناگون به شخصیت و احترام دانشمندان دینی لطمه وارد نماییم و آنان را از چشم مردم ساقط کنیم و این بهترین راه برای جلوگیری از موفقیت آنان در رسیدن به هدف‌ها و آرمان‌های رسالتشان می‌باشد».

در اینجا دو جمله از او می‌آوریم: «من گانندی آتش پرست را بیشتر لایق شیعه بودن می‌دانم تا آیت الله بهبهانی و بدتر از او علامه مجلسی را و چه می‌گوییم؟ مجلسی سنی است و امام احمد حنبل ... از او شیعی‌تر است.» با مخاطب‌های آشنا، ص (نامه‌ای به پدر)، ص ۱۲.

«من تعجب می‌کنم که شما در نامه‌تان نوشته‌اید: اگر امثال مجلسی و دیگر ملاهای درباری را در عصر صفویه برای عملی که در ظاهر به نظر خلاف می‌آید، بدون در نظر گرفتن شرایط زمان تخطئه کنیم ... برای شیعه چه و که می‌ماند.» همان، ص ۱۰.

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/۳۶

مهم و بزرگی است. فکر نکنید ترجمه کردن کار آسانی است، ما در زبان فارسی بسیار کم‌تر از زبان عربی لغت داریم، آیا می‌توان در سده‌ی یازدهم نثر ترجمه شده و سلیس فارسی را به این دقت پیدا کرد.

توفیق علامه در اصلاح جامعه

در خاتمه، عبارت «زه‌الربيع» مرحوم سید نعمت الله جزایری را، که از معاصران علامه بوده‌اند نقل می‌کنم، ایشان می‌فرمایند: «شاه می‌خواست برای خودش ولی‌عهد معین کند و موفق نشد: «فلم يتفق له ما اراده، نعم اتفق لولده السلطان المؤید الشاه سلیمان نصره الله تعالی الی آخر الزمان فانه عین فی هذا الوقت شیخنا المحقق المحدث صاحب بحار الانوار المشتمل علی ما یقرب من ثلاثین مجلدتً شیخ الاسلام و رُجعت الیه الاحکام الشرعیه فقام بها و بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر، فکسر الاصنام التی کانت تعبد و ارق الخمر و احرق الحشیشه و نحوها من المحرمات و الحمد لله علی رجوع الامر الی اهله بما تمادی السنین و الاعوام.» از این عبارت توفیق علامه در مبارزه با مظاهر شرک، نفاق و مفساد اجتماعی از جمله اعتیاد به مواد مخدر و مسکرات روشن می‌شود.

قوه‌ی اجرایی علامه برای اجرای طرح خود

برای هر مصلحی که بخواهد در جامعه اصلاح بکند، طرح و قوه‌ی اجرایی لازم است. علامه طرحش را از قرآن و اهل بیت : گرفت. حالا قضاوت کنید که آیا برای قوه‌ی اجرایی سراغ سلطان در دستگاه حکومت برود یا نرود؟ اگر در دستگاه حکومت نرود، قوه‌ی مجریه ندارد، قوه مجریه نداشته باشد، نمی‌تواند علوم اهل بیت: را اجرا کند و جامعه را اصلاح نماید. اگر شما هم به جای علامه مجلسی 1 بودید، زمان اقتضا می‌کرد که از آن قوه‌ی مجریه استفاده کنید تا بتوانید این برنامه‌ها را اجرا کنید.

۳۷ / ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ

امیدوارم خداوند به ما توفیق بدهد از برکات علامه مجلسی - رضوان الله  
تعالی علیه - استفاده کنیم و امیدوارم ان شاء الله در فرصت‌های دیگر خدمات  
علامه به تفصیل معرفی شود.<sup>۱</sup>

### خدمات علامه مجلسی 1 به جامعه تشیع<sup>۱</sup>

بدون تردید علامه مجلسی 1 از تادر کسانی بود که خداند او را برای حفظ آثار و معارف مکتب اهل بیت رسالت: برانگیخت، چنانکه تاریخ شیعه مانند او را کمتر به خود دیده است. مسلماً اگر خدمات و اقدامات ارزنده‌ی او نبود فرهنگ شیعه امروز بدین حد از شکوفایی و عظمت نرسیده بود. اینک به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز به پاره‌ای از خدمات و زحمات گرانبهای این فقید علم و فرهنگ، نگاهی گذرا می‌افکنیم.

### (۱) - در هم شکستن هیبت و صولت صوفیه:

در دوران صفویه، صوفیه قدرتی فراگیر به دست آورده بودند و پادشاهان این خاندان از آنجا که به هر دلیل سیاسی یا اعتقادی و ... به وجود آنان نیاز مبرمی داشتند. گذشته از آن که از پیشرفت و نفوذ آنان جلوگیری نمی‌کردند، حتی به آنان پروبالی داده و پشتیبانی شایانی نیز از آنها به عمل می‌آوردند؛ زیرا از نفوذ معنوی آنها در میان مردم بهره برداری سیاسی می‌کردند. درست همان‌گونه که سلاطین عثمانی از سلسله نقشبندیه و دراویش بکتاشیه استفاده می‌کردند؛ ولی گسترش افکار و نفوذ اجتماعی آنان در کشور، اندراس و در نهایت برچیده شدن معارف پر بار اهل بیت رسول خدا 6 را در پی داشت، درست در همین مقطع خطرناک و حساس تاریخ شیعه بود که وجود دانشمندی توانا، آگاه، شجاع و دارای احاطه‌ای وسیع و عمیق به فرهنگ و

---

۱ - به پیروی از سخن استاد بزرگوار که فرمودند: امیدوارم ان شاء الله در فرصت‌های دیگر خدمات علامه به تفصیل معرفی شود در این قسمت از کتاب خدمات علامه را به جامعه تشیع می‌آوریم.

آثار ائمه طاهرين:، لازم می‌نمود که به پا خیزد و با این گونه افکار بی محتوا و منحرف به مبارزه پرداخته و راه را برای اعتبار بخشیدن دوباره به تشیع و شعائر اسلامی هموار نماید و در این راه از هیچ قدرتی اعم از سلاطین وقت و کارشکنی اطرافیان آنان و جهل و تعصب عامه‌ی مردم و تحریکات شیوخ صوفیه و ... نهراسد و این حقیقتی است انکارناپذیر که برای این امر خطیر، کسی جز علامه مجلسی<sup>۱</sup> ساخته و پرداخته نشده بود که به خوبی از عهده‌ی کار برآمده و صولت روز افزون آنان را در هم شکست.<sup>۱</sup>

(۲) - تألیف دایره المعارف بزرگ بحارالانوار و جمع آوری و موضوع بندی و تبویب و تقسیم اخبار و احادیث همراه با آیات متناسب با آنها در این مجموعه‌ی حدیثی و نقل اقوال مفسرین و جرح و تعدیل گفتار حکما و متکلمین در آن و انتقال قرآن و حدیث به نسل های آینده، او با این عمل خود معارف اصیل تشیع را از خطر از بین رفتن، رهایی بخشید و به وسیله‌ی نقل از جوامع حدیث شیعه و یا نسخه برداری و گنجینیدن عین آنها در لابلا‌ی بحار به احیای آثار سلف صالح اقدام شایسته‌ای نمود و بسیاری از آنها را از خطر فراموشی و انهدام نجات داد.

(۳) - به تدریس کتب حدیث و حل مشکلات آنها پرداخت.

(۴) - به تربیت و آموزش بیش از یک هزار تن از علما که هر کدام بعد از وی در بخشی از سرزمین‌های پهناور اسلامی، رهبری دینی مردم را به عهده گرفتند، اقدام نموده و با بیانات و تألیفات خود خلق بسیار را از گرداب هلاکت رهایی بخشید.

(۵) - در موضوعات گوناگون معارف اسلامی: فقه، تفسیر، کلام، حدیث، تاریخ، دعا و ... دست به تألیف کتابهای بی شماری زد.

---

۱ - برای اطلاع از گفتار علامه (درباره صوفیه): اول رساله‌ی اعتقادات؛ حق الیقین، صفت هفتم از صفات سلبیه خداوند؛ عین الحیوه، لمعه هشتم و مصباح پنجم رجوع کنید.

- ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ/ ۴۰
- (۶) - با ایراد سخنرانی‌های ارزنده و مداوم در مراکز مذهبی و مساجد شخصاً به ارشاد و هدایت عامه‌ی مردم اقدام فرمود.
- (۷) - با اقامه‌ی نماز جمعه، جماعت، رونق مساجد، محافل مذهبی و نوسازی و بنای مساجد توجه شایانی مبذول می‌داشت.
- (۸) - با بیانی ساده و در خور فهم عامه‌ی مردم، به سؤالات آنان جواب داده و نکات مبهم مشکلات آنان را حل می‌نمود.
- (۹) - برای حل معضلات کتب اربعه شیعه که مدار عمل امامیه بر آن قرار گرفته است، توجه و حساسیت خاصی از خود نشان می‌داد چنانکه به کافی و تهذیب شرح نوشت.
- (۱۰) - ترجمه و نشر معارف اهل بیت : به زبان ساده‌ی فارسی، برای مردمی که تازه با تشیع و معارف ائمه هدی : آشنا شده، ولی به دلیل عربی بودن مصادر و منابع از استفاده‌ی آنها محروم بودند.
- (۱۱) - جایگزین ساختن مجالس وعظ و امر به معروف و نهی از منکر با قهوه خانه‌ها و میخانه‌ها و بیتخانه که در آن روزگار بسیار شایع و محل تجمع مردم آن عصر شده بود.
- (۱۲) - استفاده از موقعیت و نفوذ خود برای پشتیبانی و دفاع از ستمدیدگان در برابر ستمکران و استیفاء حقوق آنان.
- (۱۳) - تأمین احتیاجات مردم و قبول عرایض و رسیدگی به امور آنان.<sup>۱</sup>



## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- ۱- مرجعیت دینی اهل بیت : و پاسخ به شبهات، رضوانی علی اصغر ، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۵ش.
- ۲- حق الیقین، مجلسی محمد باقر، نشر ذوی القربی، چاپ اول.
- ۳- صحیح مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۴ م.
- ۴- صحیح بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.
- ۵- معالم الاصول، حسن بن الشهید الثانی، دارالفکر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ق.
- ۶- بحارلانوار،
- ۷- کشف الغمه،
- ۸- الکافی،
- ۹- الوافی،
- ۱۰- بصائر الدرجات،
- ۱۱- اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، مشکینی میرزا علی، نشر الیهادی، قم، چاپ ششم، ۱۴۱۶ ه.ق.